

منطق طرفداران افسانه نژادی

* نورنبرگ یا کعبه نازیها !

* حکومت وحشت و خشونت

* سخنرانیهای کنگره

* نورنبرگ یا کعبه نازیها !

... فضای باشکوه و منظره‌های دلپذیر و ساختمانهای باستانی شهر «نورنبرگ» بسیار جالب توجه است رودخانه پک نیتز و سواحل قشنگ و دل‌زیبای آن یکی از مراکز دلپسند این شهر بحساب می‌آید و بالاخره شهر نورنبرگ باین جهت و بجهت يك مرکز صنایع باستانی ملی یکی از شهرهای زیبای آلمان بشمار میرود . و بگفته لوئی برتران ، فرانسوی : «از محیط برلن دلپذیرتر و منظره‌های قشنگ‌تر آن بیشتر قابل تحسین است» . (۱)

و شاید همین مناسبات نازیها نورنبرگرا برای برگزاری جشنهای سالانه خود انتخاب کردند و در حقیقت عده‌ای این شهر را بعنوان «کعبه ملیون سوسیالیست» آلمان شناختند زیرا هر سال یکدفعه جشن‌های کنگره «حزب نازیست» در آنجا تشکیل میشود و بر نامه‌های جشن‌را که با طرز جالبی تنظیم شده بود ؛ دعوت‌شدگان بسیاری که از تمام آلمان باین شهر وارد میشوند ،

دریافت میداشتند. برنامہ‌های جشن‌های کنگره توسط وزارت تبلیغات تنظیم میشد و دکتر گوپلس برای برقراری انتظامات فعالیت زیادی میکرد و درست یک هفته جشن‌های کنگره بطول می‌انجامید و در این مدت برنامہ‌های رژه ارتش، سان جوانان هیتلری، کنسرت‌ها و آتش‌بازی‌ها اجراء می‌گردید. و در ضمن این تشریفات گوناگون، نطق‌های حساسی ایراد میشد اما پیشوای آلمان هر روز نطق میکرد و گاهی روزی چند دفعه باین کار مبادرت می‌جست ۱

* حکومت وحشت و خشونت

فریادهای شادی و شعنی که هنگام سخنرانی رهبران حزب از ریای موج جمعیت (۱) بلند میشد و صدای رعد آسای آن تا مدتی در آسمان موج میزد، ناشی از دل‌های مسرور توده‌های جمعیتی بود که میخواستند برای پیشرفت و آرام یک حزب و انجام آرزوهای آن خدمت کنند. راستی در آن روزها نیروی بزرگ و هیجان‌پویستکی ملت آلمان پشت بیگانگان را می‌لرزاند و این جنبش برای کسانی که میخواهند بفهمند چگونه میتوان با اتفاق و اتحاد نیروی بزرگ و بیمانند پدید آورد بسیار جالب توجه است . . .

حالا که ما باین نظری کامل باین حقیقت اعتراف کردیم؛ برای اینکه خواننده محترم با شتاب نیافتد و حکومت نژاد پر اقیاس حکومت ملی ایده آل خود قرار ندهد؛ لازم است این حقیقت را یادآور شویم که اگر تعجب نکنید از ارتجاعی ترین حکومتها حکومت هیتلر و رژیم ناسیونال سوسیالیست بود؛ منتها با ماسک «حکومت ملی» و «رژیم دموکراسی»؛ جلوه کرد و برای مدتی یک دیکتاتور مایخولیائی نیروهای ملی را بخود متوجه نمود و از آنها برفع اغراض موهوم و جابرانه خود بهره برداری کرد و بدینوسیله تمام مخالفین خود را کویید بطوریکه دیگر حزب مخالفی وجود نداشت و پس از استقرار کامل پیشوایان حزب، انتخابات بکنج فراموشی افتاد و تا سال ۱۹۴۵ که رژیم مزبور درهم شکست و آلمان هیتلری شکست خورد کسی جرأت آنرا نداشت که حتی لفظ «انتخابات» را بر زبان آورد!

دکتر گوستاو لوبون میگوید: یکی از مبادیکه نقش مهمی را در اجتماع بازی کرد مبداء نژادی است سیاستمداران گذشته خیلی بآن اهمیت میدادند و محور سیاست آنها بود و مبداء کشمکشهای خونین و بالاخره موجب صلح مسلح گردید و عاقبت به ویرانیهای بی نهایت منجر شد. چیزیکه باعث انتشار فوق العاده این مبداء شد این خیال بود که قویترین و محفوظترین ملل از مخاطر ملتی است که اراضی آن وسیعتر و جمعیتش زیادتر باشد در صورتیکه اینگونه ملل بمغلوبیت نزدیکترند (۲) . . .

(۱) جان گنترا انگلیسی میگوید هر سال بیش از صد هزار نفر برای دیدن جشنهای کنگره

وارد نورنبرگ میشدند نقل از کتاب «هیتلر» صفحه ۹۲

(۲) کتاب «مبانی روحی تطویر مال» صفحه ۱۹۴ نوشته گوستاو لوبون

خود هیئتلر اعتراف میکنند که : نهضت ما يك نهضت ضد پارلمانی است ! و میگوید چیزیکه در همه روزگاران بهترین و مؤثرترین وجهی کار را از پیش برده است ، وحشت و خشونت و زور است ! (۱)

* سخنرانیهای کنگره

جشنهای کنگره یکی پس از دیگری تشکیل میشود و پیشوایان حزب برای جمعیتی که متجاوز از صد هزار نفر بودند سخنرانی میکردند ، سخنرانان در میان طوفان شدیدی از احساسات و هیجان عمومی فریاد میزدند و در میان این فریادها گاهی مسائل جدی و متینی مطرح بود و زمانی هم مطالبی سخیف و بسیار پست عنوان میشد و ما از قسمت اول سخنرانیها صرف نظر کرده ، تنها بنقل قسمت دوم که موضوع بحث ما است بترتیب ذری می پردازیم :

۱- دولت يك سازمان نوادی است نه يك سازمان اقتصادی . . .

وظیفه دولت نوادی آن است که این نکته را در نظر بگیرد و بر آن باشد که يك دوره تاریخ جهانی نوشته شود و در این تاریخ مسئله نوادی در درجه اول جای داشته باشد و تجدید تفسیر تاریخ از نقطه نظر افسانه نوادی ایجاد افسانه تاریخی مینماید و موجب تحکیم و بهم بستگی ملت آلمان می شود .

دولت نوادی باید با وسائل تعلیم و تربیت مخصوص افراد نواد را برای مقابله با آن امتحان سخت حاضر و آماده کند : امروز جز فکر نواد پرستی هیچ فکری ممکن نیست انرژی های ملت را جمع کند !

دولت نوادی برای اینکه غرور ملی راصیمی و خالص گرداند موظف است در او ان جوانی یعنی هنگامیکه هنوز لوح خاطر کودکان نقش پذیر است این اصل پولادین را (مقصود نواد پرستی است) در آنها تزریق کند .

۲- اختلاط نوادی : هر اختلاط نوادی دیر یا زود بوضع منحوسی مایه آن میشود که دورگه های زائیده از این اختلاط از میان بروند . باید ازدواج را از آن پستی و دنائت بیرون آورد و صورت پاك و مقدسی باز دواج داد و موجوداتی خدائی بوجود آورد نه غولها تیکه نه آدمشان میتوان خواند و نه میمون ! ! چون نواد مر بوط به زبان نیست و مر بوط به خون است کسی حق ندارد از آلمانی کردن ، سخن بگوید مگر وقتی در سایه روشی بتوان خون ملت مغلوب را تغییر داد و این موضوع محال است و اگر انسان با این کار توفیق یابد نوادی از اختلاط خونها بوجود خواهد آمد و نتیجه نهایی ادامه این کار آن خواهد بود که صفات عالیه ملت غالب

از میان برود . اختلاط بانژاد پست نیروهای تمدن را از میان خواهد برداشت . مادر آنحال که پیوسته بانژادهای دیگر وصلت، میکنیم ؛ این نژادها را بطبقه برتری از تمدن میرسانیم اما خودمان برای همیشه از آن مقام منیع و بلندیکه داشتیم ، سقوط کرده ایم .

۳- **برابری نژادها** : قبول برابری نژادها مستلزم این است که درباره ملت‌ها و افراد بیک چشم داوری شود . . . فلسفه نژادی به برابری ملت‌ها ایمان ندارد . فلسفه نژادی پیروزی بهترین و نیرومند ترین نژاد را تسهیل میکند و خواهان اطاعت و متابعت نژادهای بد وضعیف است ! ! !

. . . آری درد نیای دور که ایکه از طرف نسل سیاه پوستان اشغال شده است ، مفاهیم زیبایی و نجابت و همه امیدها بآینده آید آل بشریت ما برای همیشه از میان خواهد رفت ! ! !

۴- **پرورش سنگ** : گاه بگاه روزنامه‌های مصور عکس سیاه پوستی را بنظر میرسانند و مینویسند این سیاه پوست در فلان ناحیه و فلان مملکت و کیل داد گستری ، استاد ، یا کشیش با آوازه خوانی شده است که نخستین نقشها و یا چیزی از این قبیل را بعهده دارد . . .

آری ، این کار جنون جنایت آمیزی است که یک فرد پست ؛ فردیکه از آغاز خلقت خود نیمه میمونی میباشد ! ! چنان از تعلیم و تربیت بهره ببرد که او را وکیل دادگستری بشمارند . (حقیقتاً) در اینجا صحبت از پرورش سنگ میباشد و صحبت از تعلیم و تربیت علمی در کار نیست ! ! !

۵- **قوم یهود** (۱) آلودگی و تعفنیه که بر اثر هجوم خون سیاه پوستان باطراف رود ورن ، به قلب اروپا ، پدید آمده است ، عطش انتقام آمیخته به سادیسم و فساد این دشمن موروثی ملت ما را بخوبی فرومینشانند و بحساب سرد قوم یهود که این کار در نظرش مقدمه دورگه کردن قاره اروپا است و آلوده کردن نژاد سفید را با خون انسانهای پستی اساس سلطه خود میدانند ،

(۱) هیتلر میگوید «یهودها در هر کاری جانشین آلمانها شده بودند ، روزنامه‌ها و جرائد برلن را اداره میکردند ، تماشاخانه‌ها و صنایع در دست آنها بود و بسیاری از وکلای عدلیه و پزشک‌ها و استادان مدارس یهودی بودند و جهودها مانند طاعون در همه چیز کشور رسوخ نموده بودند » (نقل از کتاب هیتلر) و یکی دیگر از اظهار نظرهای هیتلر که بسیار برای ما قابل توجه است مطلبی است که در صفحه ۱۵ یادداشت‌های سری خود آورده است ، میگوید : « در هر کشوری یهودیها بدون رقیب و مزاحم بناخت و تاز و فعالیت مشغول شوند ؛ سکنه آن کشور هیچگونه سیطره بوضع خود و مالیه و اسرار خویش نخواهند داشت ؟ ؟ ؟

کلم می‌کند (۱)

* * *

این بود قسمتی از افکار منحنط بنیان‌گذاران و طرفداران فلسفه افسانه نژادی و ماد در ضمن استدلال‌های آینده به پاره‌ای از آنها اشاره خواهیم کرد و در اینجا تنها بذكر دو نکته اساسی اکتفا می‌کنیم :

اول : غالب‌مفسرین فلسفه معاصر و فلاسفه و محققین امروز؛ افسانه نژادی را از نقطه نظر علمی مردود و موهوم دانسته و بعقیده ایشان هیچگاه نژادی بنام نژاد آریین در عالم وجود نداشته و اصل وضع این اصطلاح اختراعی است و اساس تاریخی و علمی ندارد ! و اگر هم بالفرض در زمانهای بسیار قدیم نژادهای متمایزی در اروپا وجود داشته ؛ امروز کلیه مردم اروپا از لحاظ بیولوژیکی بایکدیگر چنان آمیخته و مخلوط شده‌اند که که تجزیه و حتی تشخیص آن محال است و هیچ يك از علمای مشهور و قابل اعتماد ؛ تأیید نمی‌نمایند که مقیاس واضح و مشخصی برای تفوق نژادی وجود داشته باشد و مفسرین فلسفه ، عقائد طرفداران افسانه نژاد برایی اساس و مبنی بر وهم و خیال میدانند .

ولی آنها در مقابل این استدلال برای توجیه افکار موهوم خود غالباً متوسل باصل اشراق **Tntvition** میشوند میگویند اشراق و الهام محتاج به شهود و دلیل نیست (۲) ! !

دوم : بعقیده مفسرین سیاسی تحقیق در کشف یا توضیح عقلی سبب تعقیب یهودیان در آلمان که آن نیز از نتایج و متفرعات افسانه نژادی است مورد ندارد . بعقیده مفسرین مزبور مسئله تعقیب یهودیان لازمه صورت دادن بافسانه نژادی بوده یهودیان در آن صحنه نقشی را لازم بود عهده‌دار شوند که هدف افسانه نژادی بود و اگر یهودیان مثلاً در آلمان وجود نداشتند گروه دیگر باید این نقش را عهده‌دار شوند تا هدف اصلی افسانه نژاد بیکه تحریک احساسات ملی و وحدت و تقویت قدرت آلمان بمنظور توسعه اراضی بود انجام شود (۳) .

(۱) رجوع شود به کتابهای «نبرد من»؛ «فلسفه‌های سیاسی جلد سوم»، «هیتلر»؛ «یادداشت‌های

سری هیتلر» و «خاطرات هیتلر»

(۲) و (۳) به کتابهای Meinkampf صفحه ۷۰۴ و فلسفه‌های سیاسی صفحه ۱۱۸۰

۱۱۸۱-۱۱۸۲ و Jdistatorship ج Then چاپ ۱۹۳۵ فصل ۸ مراجعه فرمائید